



بررسی الگوی سفر قهرمان قصه‌های «ادبیات بچه‌خوانی» برای اقتباس در ادبیات کودک و نوجوان

نگین صدری‌زاده^۱

دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهیدباهنر، تهران، ایران

چکیده

داستان‌پردازی و قصه‌گویی در ایران قدمتی دیرینه دارد. با ورود صنعت چاپ به ایران و رواج آن در دوره قاجار، شماری از داستان‌های عامه برای مخاطب کودک و نوجوان تلخیص، مصور و با عنوان «ادبیات بچه‌خوانی» چاپ شده است. از سوی دیگر شباهت ساختار اسطوره و قصه به پیدایی نظریه‌هایی منجر شده است که بر مبنای آن‌ها می‌توان عناصر تکرارشونده میان اساطیر و قصه‌ها را کشف و تحلیل کرد. این پژوهش ضمن معرفی «ادبیات بچه‌خوانی»، سعی می‌کند بر اساس چهارچوب نظری تحلیل روان‌شناختی - کهن‌الگویی کارول. اس. پیرسون و هیو.کی‌مار در نظریه «بیداری قهرمان درون» و در بستر نظریه «سفر قهرمان» جوزف کمپبل، روند رشد قهرمان را در قصه‌های «ادبیات بچه‌خوانی» واکاود و الگوی تکوین و تفرد قهرمانان قصه‌های ادبیات بچه‌خوانی را در مراحل سفر ارائه دهد. به این ترتیب با بررسی روند سفر قهرمان درون و چگونگی تجلی کهن‌الگوها، الگویی برای اقتباس و بازآفرینی قصه‌های عامیانه ارائه می‌دهد تا قهرمانان قصه‌های عامه با تجسم این کهن‌الگوها در ادبیات کودک و نوجوان بازآفریده شوند. از تحلیل ساختار اسطوره‌ای ادبیات بچه‌خوانی چنین برمی‌آید که این قصه‌ها با بهره از سه مرحله «عزیمت»، «تشریف» و «بازگشت»، زمینه را برای ظهور کهن‌الگوها فراهم می‌سازند و هرچند بارزترین کهن‌الگوهای ادبیات بچه‌خوانی «عاشق»، «جست‌وجوگر»، «جنگجو» و «نابودگر» است اما قهرمان در روند سفر بنا بر موقعیت‌های داستانی، با دگردیسی کهن‌الگوها مواجه می‌شود. همچنین این تحقیق با تأکید بر اهمیت قصه‌های ادبیات بچه‌خوانی، ضرورت بازخوانی و اقتباس از مجموعه ادبیات بچه‌خوانی را در فرایند تولید محتوا، داستان، بازی‌های رایانه‌ای، برنامه فلسفه برای کودکان، آثار سینمایی - نمایشی یادآور می‌شود. واژگان کلیدی: مطالعات تطبیقی، کهن‌الگوی سفر قهرمان، ادبیات بچه‌خوانی.

۱- مقدمه:

شناخت و بررسی ادبیات و فرهنگ مردم گذشته، تنها از گذرگاه مطالعه دقیق نمونه‌های مکتوب و به‌جامانده از مردم آن سرزمین ممکن است. بنابراین منابع ادبی هر دوره‌ای از اهمیت ویژه برخوردار است. اگر به این اهمیت، فصل دیگری از نوع مخاطب و کارکرد ویژه هم بیفزاییم، اهمیت و جایگاه ادبیات بچه‌خوانی در شناخت فرهنگ، روان و ادب این سرزمین بیش از پیش دریافت می‌شود.

قصه‌ها می‌توانند راوی روند و چگونگی رشد و تعالی انسان باشند و همچنین بیانگر مبانی و اسلوب فکری و زندگی بشرند. انسان برای التیام رنج‌ها، سرخوردگی‌ها، آرزوها، فقدان و درد خویش و برای درک ابهامات و پیچیدگی‌های زندگی، به قصه پناه می‌برد. ارتباط انسان و قصه ارتباطی دو سویه و جریانی دَوْرانی است چراکه الگوهای فکری و فرهنگی انسان نیز بر اساس قصه‌ها شکل گرفته است. به عبارتی دیگر قصه‌ها نیروهای حیات‌بخش روان بشر بوده‌اند.

قصه‌ها، ناخودآگاه را به‌صورت منطقی با حوزه‌های عمل و رفتار آدمی مرتبط می‌کنند، به‌گونه‌ای به مخاطب اجازه می‌دهد به‌عنوان انسانی بالغ، جهان واقعیات را به‌صورت جدی و عملی براساس جهان قصه درک کند و از این گذرگاه، به قلمرو آرزوها و ترس‌های روان بازگردد.

بنابراین شناخت و تحلیل قصه‌های هر جامعه به درک تفکر و روان آن جامعه منجر می‌شود. با بررسی قصه‌ها در هر دوران، می‌توان به نحوه اندیشه‌ورزی و فرهنگ در گذر دوره‌های تاریخی پی‌برد. به عبارتی قصه‌ها، هم بازگوکننده روان و خرد جمعی انسان هستند و هم معرف مخاطبی هستند که در میان لایه‌های آن قصه، پنهان است. قصه‌های ادبیات بچه‌خوانی نیز مانند سایر قصه‌ها، فرازمانی و فرامکانی‌اند، خاستگاه‌شان با ضمیر و روان قصه‌پردازان عجین شده و از سرزمین و زمان معین فراتر رفته است. کهن‌الگوها نیز ثمره تجربه‌های مکرر بشر در زندگی هستند. ادبیات بچه‌خوانی به مواد خواندنی کودکان در دوره‌ای از تاریخ این سرزمین اطلاق می‌شود. اصطلاح ادبیات بچه‌خوانی در این پژوهش نیازمند تعرف دقیق و مشخص است که به آن پرداخته می‌شود. به‌صورت اجمالی می‌توان گفت قصه‌های نقلی و روایی ادبیات عامه و ادبیات مکتب‌خانه‌ای که کودکان و نوجوانان از زمان ابتدای نشر کتاب در تهران - احتمالاً ۱۲۳۹ قمری - ۱۲۰۲ شمسی و دهه‌های پس از این تاریخ، از آن برخوردار می‌شدند، در زمره کتاب‌های بچه‌خوانی می‌گنجد.

در دوران قاجار ارتباط دربار با کشورهای اروپایی زمینه‌ساز تبادل تجارب و صنعت تمدن اروپایی از جمله صنعت چاپ شد. پس از پیدایش چاپ سنگی در ایران، تعدادی از قصه‌های عامه با عنوان کتاب‌های «بچه‌خوانی»، منتشر شد و بیش از پیش در دسترس کودکان و نوجوانان قرار گرفت. بسیاری از آن‌ها در مکتب‌خانه‌ها نیز تدریس می‌شده است. در حقیقت قصه‌هایی که پیشینه دیرینه‌ای دارند، سینه‌به‌سینه برای کودکان و نوجوانان نقل شده‌اند و در نهایت ساخته و پرداخته خرد جمعی گویندگان نامشخص هستند، در این دوران با ورود صنعت چاپ، منتشر شده‌اند. از این رو بخش زیادی از فهرست ادبیات بچه‌خوانی با فهرست ادبیات مکتب‌خانه‌ای مشترک است. شناخت و بررسی قصه‌هایی که کودکان و نوجوانان در این دوره تاریخی با آن روبه‌رو بودند از چند حیث دارای اهمیت فراوان است. از طرفی این قصه‌ها، روایت خرد جمعی قصه‌سرایانند و به لحاظ جامعه‌شناختی و روان‌شناختی می‌توانند لایه‌های نهفته بسیاری را در حوزه انسان‌شناختی تبیین کنند. همچنین می‌توان بر اساس الگوها، ارتباط قصه‌ها و اسطوره‌ها را بررسی و براساس زیبایی‌شناسی و ساختار ادبی و زبانی این قصه‌ها، اطلاعات ارزشمندی را حاصل کرد و از الگوهای تبیین‌شده در جریان بازآفرینی و اقتباس بهره برد.

شناخت الگوهای ادبیات بچه‌خوانی به‌مثابه ریخت‌شناسی قصه‌ها، پژوهشی مفصل است. در این پژوهش سعی بر آن است که ضمن معرفی ادبیات بچه‌خوانی، بر اساس نظریه‌های ساختار اسطوره‌ای و نقد کهن‌الگویی، قهرمان ادبیات کودک و نوجوان در نخستین سال‌هایی که بارقه‌هایی از به رسمیت شناخته‌شدن آن به دست آمده و با عنوان ادبیات بچه‌خوانی در میان سایر کتاب‌ها فهرست‌نویسی می‌شده‌است، شناسایی و تحلیل شود. گفتنی است که این قهرمان، فراتر از قهرمان قصه‌های کودکان، قهرمانی است ساخته و پرداخته روح و خرد جمعی ایرانیان در گذرگاه دوران‌ها.

جوزف کمپبل در کتاب قهرمان هزار چهره، الگوهای بی‌زمان و بی‌مکانی را شناسانده‌است که طی بررسی اسطوره‌های جهان کشف کرده بود. همچنین کارول پیرسون و هیوکی‌مار در نظریه خود، دوازده مرحله سفر قهرمان درون را در قالب دوازده کهن‌الگو مطرح می‌کنند که انسان‌ها در تکوین شخصیت خود به‌صورت آگاهانه یا ناخودآگاه این مراحل را طی می‌کنند. این شیوه یکی از کارآمدترین روش‌های تحلیل روان‌شناختی انسان در قالب کهن‌الگوهای اسطوره‌ای است و هدفش بازنمایی چگونگی تکوین شخصیت از رهگذر مراحل «سفر قهرمان» است.

پژوهش پیش رو در پی شناخت و معرفی دقیق‌تر ادبیات بچه‌خوانی، پس از تعریف این اصطلاح، با بررسی نظریه‌های ساختار اسطوره‌ای به تحلیل الگوی قهرمان ادبیات بچه‌خوانی می‌پردازد و الگوی قهرمان ادبیات بچه‌خوانی را برای اقتباس در آثار کودک و نوجوان ارائه می‌دهد.

۱. اصطلاح «ادبیات بچه‌خوانی» به چه معناست و به کدام منابع خواندنی و ادبیات چه دورانی اطلاق می‌شود؟

۲. روند سفر قهرمان و سیر تکوین شخصیت در ادبیات بچه‌خوانی چگونه است و در پی القای کدام قهرمان درونی به مخاطب بوده‌اند؟

۳. آیا می‌توان با تحلیل قهرمان قصه‌های ادبیات بچه‌خوانی به الگوها و نمونه‌های مطلوب ملی برای اقتباس در حوزه هنر و ادبیات کودک و نوجوان رسید؟

۲- مبانی نظری تحلیل قصه‌ها

در نظریه‌های نقد ادبی، برای شناخت و تحلیل از روش‌های مختلف استفاده می‌شود. در این پژوهش برای بررسی و واکاوی ادبیات بچه‌خوانی از نظریه سفر قهرمان درون جوزف کمپبل و بیداری کهن الگوها در ساختار اسطوره‌ای قصه‌ها بهره خواهیم برد. کمپبل معتقد است همه قصه‌ها سفری قهرمانانه را دنبال می‌کنند و همه نویسندگان به صورت ناخودآگاه، مانند انتقال وراثتی ژنتیک از اجداد خود، عنصر وچکیده روایت خود را از نیاکانشان آورده و الگویی ثابت و اسطوره‌ای را دنبال می‌کنند. کمپبل در این باره هیچ استثنایی چه از نظر دوره زمانی، چه از نظر جغرافیایی قائل نشده است.

«کمپبل دریافت که داستان‌گویی، خودآگاه باشد یا ناخودآگاه، از الگوی کهن اسطوره پیروی می‌کند و هر داستانی از خام‌ترین لطیفه‌ها تا با ارزش‌ترین آثار ادبی را می‌توان بر حسب سفر قهرمان - اسطوره واحدی که اصولش را در قهرمان هزار چهره مشخص کرده، درک کرد» (وگلر، ۱۳۸۵: ۱۴).

نظریه کمپبل به ما کمک می‌کند تا قصه‌ها را به گونه‌ای جهان‌شمول و هم‌زمان درونی‌تر دریافت کنیم. قصه‌ها فراتر از قصه، روان انسان را بازگو می‌کنند. البته اندیشه‌های کمپبل درباره کهن الگوها بی‌مانند به افکار روان‌شناس تأثیرگذار سوئیسی، کارل گوستاو یونگ نیست.

در ابتدای قرن بیستم کارل گوستاو یونگ، به تکراری بودن شخصیت‌ها و وقایع زندگی انسان اشاره کرد. یونگ این شخصیت‌ها و وقایع عمومی و تکرارپذیر را در

قالب‌های الگوها، مشخص و تفکیک کرد. کارل گوستاو یونگ به ضمیر ناخودآگاه انسان توجه ویژه‌ای داشت. او روان انسان‌ها را بر اساس کهن الگوهای مردانه و زنانه بخش‌بندی کرد و زندگی بشر را یک روند تکرارشونده بر اساس سفر قهرمان درون نامید. پس از او بسیاری از پژوهشگران چون جوزف کمپبل، کریستوفر وگلر، رابرت جانسون، کارول پیرسون و هیوکی‌مار، رابرت بلائی، کهن الگوها را بازبینی کرده‌اند و سفر قهرمانی را به‌عنوان الگویی برای روند رشد فردیت و چگونگی رویارویی انسان با مسائل پیش‌رو در زندگی‌اش قرار داده‌اند. «منقدان این شیوه عمیقاً در جست‌وجوی صورت‌های مثالی و کهن‌الگویی در آثار ادبی هستند و به تعبیر دیگر از رابطه ادبیات و هنر با اعماق سرشت بشری سخن می‌گویند؛ زیرا اثر هنری را تجلی نیروهای پویا و ذاتی برخاسته از اعمال روان جمعی بشریت می‌انگارند» (امامی، ۱۳۸۵: ۲۰۲).

گفتنی است در واکاوی ساختار اسطوره‌ای و بررسی سفر قهرمان باید به این نکته توجه کرد که قهرمانان بازمانده اسطوره‌ها هستند. در آن‌ها «قهرمان نماینده چیزی نیست، بلکه جان‌نشین جفت و همزاد و وکیل نظام جادویی و دینی است. قهرمان تاریخ ندارد. هر بار از خود آغاز می‌شود تا غالباً سرانجام در ابدیت که خود از آن برخاسته است، ناپدید گردد» (زرفا، ۱۳۸۸: ۱۲۳).

۲-۱- نظریه سفر قهرمان درون

یکی از معتبرترین روش‌های تحلیل ادبی در حوزه نقد اسطوره‌ای داستان‌های کهن، «سفر قهرمان» است که براساس «اسطوره یگانه» جوزف کمپبل شکل گرفت. سفر اسطوره‌ای قهرمان، معمولاً، تکریم و تکرار الگویی است که در مراسم گذار به آن اشاره شده است: جدایی - تشریف - بازگشت: که می‌توان آن را هسته اسطوره یگانه^۱ نامید. «یک قهرمان از زندگی روزمره دست می‌کشد و سفری مخاطره‌آمیز به حیطة شگفتی‌های ماوراءالطبیعه را آغاز می‌کند: با نیروهای شگفت در آن جا روبه‌رو می‌شود و به پیروزی قطعی دست می‌یابد. هنگام بازگشت از این سفر پر رمز و راز، قهرمان نیروی آن را دارد که به پاراننش برکت و فضل نازل کند» (کمپبل، ۱۳۸۴: ۴۰).

کمپبل متأثر از یونگ نظریات خود را درباره کهن‌الگوها طرح کرد. بنابر نظریه کمپبل «توالی اعمال قهرمان از الگوی ثابت و معینی تبعیت می‌کند که در تمامی داستان‌های جهان در دوره‌های گوناگون قابل پیگیری است. قهرمان افسانه‌ای معمولاً

(James) واژه‌ای است برگرفته از جیمز جویس در کتاب بیداری فینگان: monomyth کلمه ()
Joyce, *Finnegans Wake* (New York: Viking Press, Inc., ۱۹۳۹), P. ۵۸۱.

بنیانگذار چیزی است که یک عصر تازه، دین تازه، شهر تازه یا شیوه تازه‌ای از زندگی که برای دست‌یافتن به آن باید ساحت قدیم را ترک گوید و به جست‌وجو بپردازد» (کمپبل، ۱۳۸۹: ۲۰۶).

مرحله اول که جدایی یا عزیمت (حرکت، رحلت) نام دارد، خود شامل پنج مجموعه زیر است:

۱. دعوت به آغاز سفر یا آشکار شدن نشانه‌های دعوت برای انجام وظیفه‌ای خاص
 ۲. رد دعوت یا فرار
 ۳. امدادهای غیبی
 ۴. عبور از نخستین آستان
 ۵. شکم نهنگ یا عبور از قلمرو شب.
- مرحله عبور از آزمون‌های تشرّف یافتگی و حصول پیروزی» در بخش دوم به شش زیرمجموعه تقسیم می‌شود:

۱. جاده آزمون‌ها
 ۲. ملاقات با مادرزمین یا پس‌گرفتن نشاط دوران کودکی
 ۳. زن به‌عنوان وسوسه‌گر
 ۴. آشتی با پدر
 ۵. خداگون شدن
 ۶. برکت نهایی.
- سومین بخش شامل شش زیرمجموعه می‌شود:
۱. امتناع از بازگشت یا انکار جهان
 ۲. فرار جادویی
 ۳. رسیدن کمک از خارج
 ۴. عبور از آستان بازگشت یا بازگشت به دنیای عادی
 ۵. ارباب دو جهان
 ۶. دستیابی به آزادی در زندگی یا ماهیت و عملکرد برکت نهایی (کمپبل، ۱۳۸۴: ۴۵-۴۶).

بنابراین داستان‌ها می‌توانند بر اساس اینکه از ساختار اسطوره‌ای برخوردارند یا خیر طبقه‌بندی شوند و همچنین بر این اعتبار که قصه از کدام یک از مراحل سه‌گانه سفر قهرمان درون برخوردار است یا بر اساس شیوه عزیمت، تشرّف و بازگشت طبقه‌بندی شود.

۲-۲ نظریهٔ کهن‌الگوهای قهرمان

با بررسی قصه‌ها و افسانه‌ها و تأمل دربارهٔ آن‌ها، شخصیت‌های تکرارشونده و نمونه‌وار به‌روشنی نمایان می‌شوند. روان‌شناس سوئیسی کارل گوستاو یونگ، برای توصیف این الگوهای شخصیت‌پردازی مشترک، اصطلاح کهن‌الگوها را به کار برده‌است. همچنین یونگ مطرح کرد که به غیر از ناخودآگاه فردی، ناخودآگاه جمعی نیز وجود دارد. بنابراین می‌توان گفت قصه‌های پریان و داستان‌های اسطوره‌ای، رویاهای فرهنگ‌اند که از ناخودآگاه جمعی نشئت می‌گیرند. کهن‌الگوها در همهٔ فرهنگ‌ها و زمان‌ها و در رویاها و افراد خاص و اسطوره‌های مختلف دنیا ثابت هستند. از این رو مفهوم کهن‌الگوها ابزاری ضروری برای شناخت هدف یا کارکرد شخصیت‌های هر داستان است و جهان‌شمولی این الگوها امکان تجربهٔ مشترک را در قصه‌ها و داستان‌ها از سرزمین‌های مختلف فراهم می‌کند.

«نقد کهن‌الگویی یکی از زیرمجموعه‌های نقد روان‌شناسی نوین است و سبب ایجاد دیدگاه نوینی در بررسی آثار ادبی گشت. باور نقد کهن‌الگویی بر این است که یک متن ادبی، نتیجهٔ ناخودآگاه جمعی نوع بشر است.» «اصل پایهٔ نقد کهن‌الگویی این است که کهن‌الگوها - تصاویر، شخصیت‌ها، طرح‌های روایی و درون‌مایه‌های فرعی و سایر پدیده‌های نوعی ادبیات در تمام آثار ادبی حضور دارند و به این ترتیب، شالوده‌ای را برای مطالعهٔ ارتباطات متقابل اثر فراهم می‌آورد» (مکاریک، ۱۳۸۳: ۴۰۱). نقد کهن‌الگویی سبب می‌شود که از منظر علمی به دنیای قصه‌ها و روان جهان‌شمول انسان و نمود آن در قهرمان قصه‌ها بپردازیم. این چیزی شبیه نظریهٔ دهکدهٔ جهانی است؛ اینکه همهٔ قصه‌ها در سراسر دنیا و قبایل مختلف با هر میزان تفاوتی که داشته باشند در چرخهٔ کهن‌الگویی قرار می‌گیرند و شما می‌توانید ردپای میراث نیاکان را در قصه‌ها دنبال کنید.

کهن‌الگوها جنبه‌های مختلف ذهن بشر را بازتاب می‌دهند. به عبارتی روان و هویت ما به‌صورت این شخصیت‌ها تجسم می‌یابد. به همین دلیل طنین واحدی از حقایق روان‌شناسی دارند. این داستان‌ها دقیقاً بر الگوی کارکرد ذهن بشر و نقشه‌های واقعی روان آدمی منطبق‌اند. از نظر روانشناسی معتبر و از نظر عاطفی واقع‌گرایانه‌اند، حتی وقتی حوادث غیرواقعی و غیرممکن یا فانتزی را مجسم می‌کنند» (وگلر، ۱۳۸۵: ۱۵). جوزف کمپبل نیز در تعریف کهن‌الگوها بر تاثیر ناخودآگاه جمعی در شکل‌گیری کهن‌الگوها تأکید کرده است. او نیز تأکید دارد که کهن‌الگوها در ذات حقیقی‌شان در سراسر دنیا یک مسیر و یک چرخه را طی می‌کنند و آن میراث همهٔ مردم جهان

است که از نیاکان خویش به یادگار مانده است.

«کهن‌الگوها اشکال و تصاویری برخاسته از ذات جمعی هستند که عملاً در تمام جهان، اجزای تشکیل‌دهنده اسطوره‌ها می‌باشند و در عین حال نتایج فردی و طبیعی برخوردارند. آن‌هایی هستند که در روند تاریخ فرهنگ بشریت، بر اساس اندیشه، آمال و آلام بشر شکل گرفته‌اند و بیش از هر چیز، راوی روان نوع بشر هستند. کمپبل معتقد است همه مردم در زندگی یا رویاهای خود با اسطوره‌ها روبه‌رو می‌شوند. همه آن‌ها با آنچه اجدادشان برایشان به جا گذاشته روبه‌رو می‌شوند. اما میان رویا و اسطوره تفاوت است. گرچه همه به یک شکل دیده می‌شود، اما میان رویا و اسطوره تفاوت‌های زیادی است. رویا، بافته ذهن خود فرد است، شاید هم تجلی یک اسطوره را همراه داشته باشد. اسطوره اما چندان تغییری ندارند. از پدران و نیاکان، همراه ما شده‌اند و در همه مراحل از تغییر مبرا مانده‌اند.

کارول پیرسون و هیو. کی‌مار در کتاب *زندگی برزنده من* از دوازده کهن‌الگو به‌عنوان راهکارهای بیداری قهرمان درون یاد می‌کنند و به سبب آزمون‌پذیری، این طبقه‌بندی یکی از کارآمدترین روش‌های تحلیل روان‌شناختی است؛ هدف این نظریه بازنمایی چگونگی تکوین شخصیت از رهگذر کهن‌الگوی «سفر قهرمان» است. از آنجا که شخصیت‌های اسطوره‌ای سیال و بی‌زمان و بی‌مکان هستند، می‌توان به کمک الگوسازی به شناخت بهتر شخصیت‌ها پرداخت.

بر مبنای این نظریه، قهرمان برای رسیدن به فردیت و تجلی نیروهای درونی خود، ضمن عبور از سه مرحله، دوازده کهن‌الگو را تجربه می‌کند که سپری کردن هر یک از این کهن‌الگوها تأثیر بسزایی در رشد دارند. به این ترتیب قهرمان، پس از گذراندن سه مرحله اصلی در نهایت به شناخت خویش می‌رسد. گفتنی است نظریه سفر قهرمان درون برگرفته از نظریه جوزف کمپبل است. از این رو تحلیل سفر قهرمان درون بدون در نظر گرفتن آرای کمپبل کامل نخواهد بود. این دوازده کهن‌الگو عبارتند از: معصوم، یتیم، جنگ‌جو، حامی، جستجوگر، عاشق، نابودگر، حاکم، آفرینش‌گر، جادوگر، فرزانه و دلکک.

پیرسون رابطه سفر قهرمان و منابع درونی را کهن‌الگویی با رشد «من» (مرحله عزیمت)، «روح» (مرحله تشریف) و «خویشتن» (مرحله بازگشت) به شکل سه مرحله سفر قهرمان توصیف کرد. که می‌توان این سه مرحله را با مراحل سفر قهرمان در نظریه اسطوره‌ی یگانه کمپبل منطبق دانست. «پیرسون مرحله اول یا مرحله تدارک

سفر (من) را زمانی دانست که قهرمان آماده ترک کردن حالت وابستگی می‌شود و منابع درونی لازم را برای پیش‌رفتن در دنیا با اتکا به خودش را فراهم می‌کند. مرحله دوم یا سفر (روح) را دوره‌ای دانست که قهرمان موهبت‌های تشکیل‌دهنده خویشتن حقیقی و مستقل را کشف می‌کند. مرحله سوم یا بازگشت (خویشتن)، مربوط به زمانی است که قهرمان به جامعه برمی‌گردد تا این موهبت‌ها را با دیگران سهیم شود و در وضعیت وابستگی متقابل با دیگران زندگی کند» (آدسون، ۱۳۹۳: ۵).

کهن‌الگوها در هر سفر دارای نظم هستند. یعنی ترتیب کهن‌الگوی یتیم، بعد از معصوم رخ خواهد داد و به همین ترتیب تا آخرین آن‌ها که فرزانه و دلک هستند. در حقیقت قهرمان در طی سفر درونی خود، سه مرحله رشد را به ترتیب تجربه می‌کند و در گذار از این مراحل، دوازده کهن‌الگو که هر کدام ویژگی شاخصی دارند، در او بروز می‌کنند و او به تدریج و هم‌زمان با رشد، این کهن‌الگوها را تجربه می‌کند و در نهایت با قدرتی که برخاسته از شناخت و کشف خویش است، بازمی‌گردد. جدول (۲-۱) بیانگر مراحل سفر و پیدایش این کهن‌الگوهاست.

مراحل	(کمپیل)	پیرسون	فرایند مرحله	عناصر	کهن‌الگوها
مرحله یک	عزیمت	من	آمادگی برای جدایی، ساختن من	دعوت، سقوط، زخما، رویارویی با ازدها	معصوم، یتیم، حامی، جنگ‌جو
مرحله دو	تشریف	روح	سفر برای یافتن استقلال فردی، کشف روح	جنگیدن با ازدهاها و یافتن گنج	جستجوگر، عاشق، نابودگر، آفرینش‌گر
مرحله سه	بازگشت	خویشتن	بازگشت به جامعه، وابستگی متقابل، احساس مسئولیت	سهیم کردن دیگران در غنایم به دست‌آمد ه	حاکم، فرزانه، جادوگر، دلک

در جدول (۲-۲) شرح کوتاه دوازده کهن‌الگوی پیرسون و هیو.کی‌مار بر اساس مراحل سه‌گانه سفر ارائه شد است.

<p>معصوم: مظهر اعتماد به دیگران و جهان، پاک و اعتمادکننده، زودباور و ساده، متعهد و وفادار، قانون‌مدار و پاک‌دامن.</p>	<p>عزیمت</p>
<p>یتیم: وابسته و آسیب‌دیده، رنجور، مطرود و محتاج، بخشی که با سقوط، خیانت، آزار و اذیت مواجه شده‌است.</p>	
<p>حامی: مهرطلبی و توانا در پرورش و حمایت از خود و دیگران جنگجو: هدفمند، خویش‌تن‌دار، بانضباط، قاعده‌مند، منظم، رقابت‌طلب، قابلیت مبارزه و دفاع برای خود و تعیین محدوده‌ها و هدف‌ها</p>	
<p>جستجوگر: کنج‌کاو، ماجراجو، نیازمند به جست‌وجوی چیزی متفاوت، طلب معنا، اهل سیاحت و ماهر در گردآوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل مسائل پیچیده.</p>	<p>تشریف</p>
<p>عاشق: قابلیت مراقبت‌کردن و محبت‌کردن، احترام‌گذاشتن، متعهدشدن، رسیدگی به دیگری، از خودگذشتگی و فداکاری، پیوندخوردن، متعهدشدن و قبول مسئولیت نسبت به دیگری، شور و اشتیاق داشتن، جذابیت و گیرایی.</p>	
<p>نابودگر: قابلیت رهاکردن و خلاص‌شدن فرد از چیزهایی که دیگر از ارزش‌های او حمایت نمی‌کنند، پذیرش فناپذیری، برهم‌زننده نظم و قوانین برای بازسازی و شروع دوباره، خواهان دگرگونی، تحول و انقلاب. آفرینشگر: کارآفرین، مخترع، نوآور، انعطاف‌پذیر، قابلیت گشودن قوه تخیل و ابداع.</p>	
<p>حاکم: توانایی بهره‌مندی از فرصت‌ها برای سودجویی یا مصلحت عمومی، قابلیت استفاده از تمام منابع و امکانات و قبول مسئولیت در قبال خود و دیگران، ریاست‌طلب، تمایل به کنترل دیگران، اهل مجادله، مشاجره و بحث و جدل.</p>	<p>بازگشت</p>
<p>جادوگر: به‌رمند از آگاهی و توانی فراتر از عادت، قدرت تغییر آنچه باید تغییر یابد از طریق عمل‌کردن روی بینش و بصیرت خود، انجام کارها به شیوه‌های متفاوت و عمیق، تسهیل‌کننده امور از طریق جذب، نفوذ نه مقام و ریاست.</p>	

فرزانه: پیردانا، هدایتگر و راهنما، توانایی دستیابی به خرد، جست‌وجوی حقیقت و پذیرش ابهام.
دلکک: قابلیت تجربه‌کردن زندگی به‌طور کامل و بیان حقیقت بدون مجازات‌شدن، دانستن راه لذت‌بردن از زندگی.

گفتنی است که هر شخصیت ممکن است یادآور چند کهن‌الگو باشد که در موقعیت‌های متفاوت در شمایی منحصربه‌فرد بروز می‌یابد. نحوه بروز کهن‌الگوها نیز در افراد مختلف، متفاوت است. «زبان سفر روح، زبان اسطوره، نماد، ترانه، هنر، ادبیات و شعر و آیین‌هاست. از آنجا که هر کدام از ما سیر مجزای خود را برای یافتن هویت‌مان داریم، این زبان توسط هریک از ما به نحو متفاوتی تعبیر می‌شود» (آدسون، ۱۳۹۳: ۵۶). به نظر می‌رسد عوامل مختلفی بر نحوه بروز کهن‌الگوها تأثیر می‌گذارد.

۳- ادبیات بچه‌خوانی

اصطلاح «بچه‌خوانی» که نگارش آن در دوره قاجار با حذف واو معدوله به شکل «بچه‌خانی» مرسوم بوده، مرکب است از «بچه» و «خوانی». «بچه» در لغت‌نامه دهخدا به معنای طفل، کودک، ولید و «خوانی» از مشتقات خواندن است. در دایره‌المعارف مصاحب، مدخل «بچه‌خوانی» نیست؛ اما در ذیل مدخل «بچه‌خوان» چنین ذکر شده است:

«هر یک از جوانانی که در تعزیه عموماً نقش فرزندان اولیا یا هواداران آن‌ها را بازی می‌کنند: مثل قاسم فرزند امام حسن (ع)، سکینه دختر امام حسین (ع) و طفلان مسلم.» که بی‌شک این معنا یعنی ایفای نقش کودکان در تعزیه، با موضوع پژوهش پیش‌رو هم‌خوان نیست.

همچنین می‌توان گفت بچه‌خوانی به فرهنگ و سنتی اطلاق می‌شده است که در آن قصه‌ها و روایات عامه را برای کودکان نقل می‌کردند. «بچه‌خوانی از فرهنگی منسوخ حکایت می‌کند که شکل‌گیری و بقای آن به جمع‌شدن در یک خانه یا در مکان‌های جمعی عمومی برای شنیدن قصه وابسته است و امروز دیگر کمتر اثری از آن به چشم می‌خورد» (حسینی، ۱۳۸۸: ۸۹). در این تفسیر «بچه‌خوانی» به معنای فرهنگ و هنر قصه‌گویی است که به شیوه و فنون مختلف اجرا می‌شده است. هر چند این معنا بسیار قابل توجه است اما به مفهوم ادبیات بچه‌خوانی نزدیک و از آن متفاوت است.

این اصطلاح پس از ورود صنعت چاپ و با گسترش کتاب‌های چاپ‌شده برای کودکان رایج شده‌است. در حقیقت بخشی از داستان‌های عامه که در ایران پیشینه‌ای کهن دارد، با ورود صنعت چاپ و کاربرد آن‌ها برای کودکان به «بچه‌خوانی» شهرت یافته است. بنا بر آگهی روزنامه «دولت علیه ایران» به شماره ۵۷۵، مورخ ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۲۸۲ قمری - ۱۳۴۴/۱۶/۶ خورشیدی - کتابی با عنوان گنجینه نشاط معرفی شده‌است که شامل مجموعه اشعار است از میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله متخلص به «نشاط». بر طبق این آگهی، در پایان کتاب نشاط، فهرستی سه‌صفحه‌ای از کتب چاپ‌شده سنگی نیمه دوم سده سیزدهم موجود است. با مراجعه به این کتاب، فهرست حاج موسی طهرانی را می‌توان یافت که فهرستی است از کتاب‌های چاپ‌شده و حوزه‌های موضوعی مختلف، دسته‌بندی شده‌اند. در پایان کتاب، حدود ۲۳۸ عنوان کتاب را که از زمان ابتدای نشر کتاب در تهران - احتمالاً ۱۲۳۹ قمری - تا زمان تنظیم فهرست یعنی ۱۲۸۱ قمری، به چاپ رسیده‌است، ارائه شده است. این کتاب‌ها ذیل بیست‌و‌چهار عنوان طبقه‌بندی شده‌اند. آخرین سری کتاب‌هایی که در این فهرست ذکر شده‌اند، کتب «بچه‌خوانی» - بچه‌خوانی - هستند.

در این فهرست هیچ‌گونه اطلاعاتی از نویسندگان، تعداد صفحات، قیمت، سال نشر، نام ناشر و... ارائه نشده است. با بررسی مختصر این فهرست، می‌توان دریافت که پس از پیدایش چاپ سنگی در ایران، تعدادی از قصه‌های عامه با عنوان کتاب‌های «بچه‌خوانی»، منتشر شده و در دسترس کودکان و نوجوانان قرار گرفته است که بسیاری از آن‌ها در مکتب‌خانه‌ها نیز تدریس می‌شده است. از این رو بخش زیادی از فهرست مذکور با فهرست ادبیات مکتب‌خانه‌ای مشترک است.

در فهرست حاجی موسی تاجر طهرانی، این اصطلاح به معنای مواد خواندنی کودکان و کتاب‌ها و قصه‌هایی است که کودکان می‌خوانند. مارزولف نیز ضمن اذعان به ابهام در اصطلاح بچه‌خوانی، درباره آن چنین توضیح داده است: «عنوان‌گذاری مؤلف برای آثار مندرج در ردیف یا دسته آخر (بچه‌خوانی‌ها) مقداری مبهم و اسرارآمیز است. با توجه به سطح سواد اندک ایرانیان در قرن نوزدهم به احتمال زیاد عنوان «بچه‌خوانی» نه به معنای مطالبی که کودکان آن را خواهند خواند، بلکه به مفهوم مطالبی که برای کودکان خوانده خواهد شد، مطرح بوده است. به سخن دیگر، فهرست بخش «بچه‌خوانی‌ها» حاوی مطالبی است که تصور می‌شده از نظر سرگرمی و آموزندگی اخلاقی برای افراد کم‌سن‌وسال مناسب هستند و از نظر حجم مطالب هم آن‌قدر حجیم نیستند که نتوان در یک جلسه آن‌ها را برای کودکان خواند (مارزولف،

بنابراین می‌توان گفت مقصود از ادبیات بچه‌خوانی، بخشی از آثار منظوم و منثوری است که در برهه‌ی زمانی حکومت قاجار، جزء مطالب مطالعاتی، سرگرمی و آموزشی کودکان و نوجوانان بوده است.

بنابراین ادبیات بچه‌خوانی عبارت است از مجموعه کتاب‌های چاپ سنگی مصور که در دوران قاجار برای کودکان چاپ شده است. تصور می‌شود که این کتاب‌ها بیشتر در قطع کوچک، جزوه‌مانند، کم‌حجم، بدون جلد و ارزان چاپ می‌شده است. کتاب‌های بچه‌خوانی بر اساس فهرست حاج‌موسی ۳۳ عنوان است. فهرست کتاب‌های ادبیات مکتب‌خانه‌ای ایران ۷۰ عنوان است (نک: ذوالفقاری، فهرست مطالب). برخی آثار مشهور ادبیات مکتب‌خانه‌ای مانند حکایت خسرو دیوزاد، بختیارنامه، سلیم جواهری، قصه‌ی موسی، خاله قورباغه، خاله سوسکه و خروس و روباه و همچنین مجموعه طنزهایی مانند لطائف و ظرائف یا حکایات ملانصرالدین در فهرست حاج‌موسی نیست. مجموعه کتاب‌های بچه‌خوانی و ادبیات مکتب‌خانه‌ای در دو فهرست، شامل ۹۰ عنوان، دسته‌بندی می‌شود.

آثاری که در ذیل عنوان بچه‌خوانی ذکر شده در دوره‌ی قاجار به طبع رسیده، اما در دوره‌های گوناگون نوشته شده است. از موش و گربه عبید زاکانی (قرن هشتم) تا رعنا و زیبا (دوران قاجار) و به عبارتی به لحاظ تاریخی از قرن هفتم تا سیزدهم را شامل می‌شود. این آثار به لحاظ موضوعی هم کتاب‌های متفاوتی را دربرمی‌گیرد.

در این فهرست هیچ تمایزی بین کتب چاپ‌شده به روش چاپ سنگی و آثار چاپ شده به روش چاپ سربی نیست و همچنین پاره‌ای آثار مشهور بچه‌خوانی مانند آثار زیر در این فهرست معرفی نشده‌اند:

حکایت «خسرو دیوزاد» (چاپ ۱۲۶۴ و ۱۲۷۰ق)، «بختیارنامه» (فهرست: ستون ۵۴۳؛ چاپ ۱۲۶۳ و ۱۲۷۹)، «سلیم جواهری» (چاپ اول ۱۲۷۱ق)، یا «قصه‌ی سلیمان» و به دنبال آن «قصه‌ی موسی»؛ چاپ مشترک ۱۲۶۶ و ۱۲۷۳ق). عدم وجود آثاری از این قبیل مایه‌ی شگفتی است چراکه پاره‌ای آثار ادبیات عامه احتمالاً در زمان تدوین فهرست حاج‌موسی به صورت چاپ‌های متقدم‌تر نیز وجود داشته‌اند. از میان این آثار می‌توان از آثاری مانند «کلیله و دمنه» ابوالمعالی نصرالله منشی (چاپ اول ۱۲۸۲ق)، «شنگول و منگول» (چاپ اول حدوداً ۱۳۰۰ق)، «خاله سوسکه» (چاپ اول ۱۲۹۹ق)، «خروس و روباه» (چاپ اول ۱۲۹۹ق) نام برد و همچنین مجموعه طنزهایی مانند «لطائف و ظرائف» (چاپ اول ۱۲۹۵ و ۱۲۹۸ق) یا «حکایات

ملانصرالدین» (چاپ اول ۱۲۹۹ق)» (مارزلف، ۱۳۷۸، ۱۱۰).

گفتنی است کتاب «هزار مسئله» که از مصنفات فقهی کسی به نام ابونصر سعد بن العطان است، جزء فهرست «بچه‌خوانی‌ها» قرار گرفته، در صورتی که زیرمجموعه «کتب احادیث» محسوب می‌شود. منابع آثار بچه‌خوانی هم برگرفته از آثار کهن فارسی و هم اقتباس از آثار و رویدادهای دوره صفوی و قاجار است. به لحاظ شکل ارائه مطالب نیز به‌گونه‌ای هستند که هم در قالب نثر بیان شده‌اند و هم در قالب نظم. همان طور که گفته آمد به این آثار – به استثنای کتاب مذهبی *معراج‌نامه* – تمامی حاوی مطالب سرگرم‌کننده و آموزشی (مانند قصه‌های عشقی، حماسی-عشقی، جادویی و عیاری و طراری) است.

در پایان این بحث گفتنی است که عدم ذکر برخی از کتاب‌های شناخته‌شده کودکان و نوجوانان که در ادبیات مکتب‌خانه‌ای معرفی شده‌اند، از اهمیت و ارزش ویژه فهرست حاج‌موسی طهرانی نمی‌کاهد و به نظر نگارنده می‌توان به آن استناد کرد. بنابراین مبنای بررسی آثار بچه‌خوانی در پژوهش پیش رو، فهرست حاج‌موسی تاجر طهرانی خواهد بود. برخی از عناوین ادبیات بچه‌خوانی مطابق فهرست حاج‌موسی طهرانی عبارت است از: حسین‌کرد شبستری، نوش‌آفرین‌نامه، بهرام و گلندام، موش و گربه، احمد جولا، گلستان ارم، چهل طوطی، لیلی و مجنون، فرهاد و شیرین، خزان و بهار، ناز و نیاز، رعنا و زیبا، یوسف و زلیخا، دله مختار، دزد و قاضی، رند و زاهد، کلثوم‌ننه، توبه نصوح، شیرویه، قهرمان، هرمز، چهار درویش و...



(سومین صفحه از فهرست حاج موسی طهرانی؛ فهرست کتب بچه‌خوانی)

۴- الگوی سفر قهرمان در قصه‌های ادبیات بچه‌خوانی

با بررسی فرایند رشد قهرمانان و چگونگی بیداری کهن‌الگوهای ادبیات بچه‌خوانی، می‌توان به آینه خرد جمعی نگاهی داشت و به ترسیم روان جامعه و دورانی پرداخت که این قصه‌ها را خلق کرده‌اند و با آن انتقال سینه‌به‌سینه آن، باعث شکل‌گیری و تکامل فرایند رشد روان و فرهنگ خود شده‌اند.

تعداد کمی از کتاب‌های مجموعه ادبیات بچه‌خوانی، فاقد روایت داستان هستند و در اساس قصه نیستند مانند نصاب ترکی، هزار مسئله، گلشن عطار و... اما با اطمینان می‌توان گفت قریب به اتفاق همه متون روایی ادبیات بچه‌خوانی از ساختار اسطوره‌ای برخوردار هستند. پردازش و انتخاب ناخودآگاه این آثار برای مخاطب کودک و نوجوان، بیانگر ترس‌ها و آرزوهای جامعه در آن برهه تاریخی است.

هرچند اغلب قهرمانان قصه‌های ادبیات بچه‌خوانی، در فراز و فرود سفر خود، بیداری تمام کهن‌الگوهای درون را تجربه می‌کنند، اما میزان دفعات بیداری هر کهن‌الگو در کنش قهرمانان، تفاوت‌های معناداری را ایجاد می‌کند به گونه‌ای که می‌توان با توجه به بسامد کهن‌الگوها، به کشف کهن‌الگوی غالب بر روان جامعه نائل شد. تمام قهرمانان ادبیات بچه‌خوانی سفر خود را از مرحله یتیمی آغاز می‌کنند.

بهرام، قهرمان قصه بهرام و گندام، در پی شکار آهو از گروه خدم و حشم خود جدا می‌شود و در بیابان گم می‌شود و به این ترتیب وارد مرحله یتیمی می‌شود. رعنا، شاهزاده قصه رعنا و زیبا، نابالغ است که پدرش می‌میرد. کهن‌الگوی معصومی است که با مرگ پدر دوران یتیمی تجربه می‌کند. رابعه دختر فرمانروای بلخ، قهرمانی است که در ابتدای قصه گلستان/رم، با مرگ پدر یتیم می‌شود (نک: صدری‌زاده، ۱۴۰۱). هرچند تجربه آسیب، درد و فقدان در روان جامعه قصه پرداز، تجربه‌ای ناگوار است، اما روان چنین جامعه‌ای به نیکی می‌داند که درد، عزیز و رشددهنده است. چنین ذهنیتی بر این اصل استوار است: شکوفایی از نقطه تاریک شکست، طلوع می‌کند (پایان شب سیاه، سپید است). با این حال وقتی تعداد کسانی که به درد آغشته‌اند، زیاد می‌شود و گروه قربانیان را شکل می‌دهد، قربانی بودن امری فراگیر و عادی به نظر می‌رسد، افراد دچار تله تماشاگری و انفعال می‌شوند و مسئولیت عبور از شکست، تقسیم می‌شود. در این صورت قهرمان ترجیح می‌دهد در گوته امن نقش قربانی متوقف شود و وارد فراز و فرودهای سفر بیداری قهرمان نشود. ادبیات بچه‌خوانی روایت زندگی قهرمانانی است که از مرحله یتیمی فراتر رفته‌اند، از میان قربانیان برخاسته‌اند و در تکوین شخصیت خود، بیداری سایر کهن‌الگوها را تجربه کرده‌اند. در حقیقت ادبیات

بچه‌خوانی، مخاطب خود را به شهامت رویارویی با خویشتن و جهان ناشناخته‌ها فرامی‌خواند و به سوی بیداری کهن‌الگوی جنگجو می‌رود.

با بررسی کهن‌الگوهای قهرمان قصه‌های بچه‌خوانی چنین دریافت می‌شود که پربسامدترین کهن‌الگوی قهرمان در این قصه‌ها، جست‌وجوگر، عاشق، جنگ‌جو و نابودگر است. بهرام گمشده در بیابان، با دیدن تصویر گلندام، به جست‌وجوی او می‌رود و با لشکر دیوان و رقیبان می‌جنگد. حسین کرد به هندوستان می‌رود و مالیات هفت‌ساله ایران را پس می‌گیرد، رعنا در طلب عشق زیبا با نگهبانان درگاه صنوبر و خیل خواستگاران چین و ماچین روبه‌رو می‌شود (نک: همان). در حقیقت قهرمان پس از پشت‌سرنهاندن مرحله معصوم و یتیم، آزمون‌های مرحله تشریف را با تجربه مکرر کهن‌الگوی جست‌وجوگر، نابودگر، عاشق و جنگ‌جو پیش می‌برد. گویی انتظار جامعه از قهرمان، روحیه وارستگی، عاشقی، پهلوانی و جنگاوری است. قهرمانی که بتواند فراتر از عادت‌ها و وابستگی‌ها سفر را آغاز کند و با تیرگی‌ها بجنگد و پیروزی‌های بی‌نهایتی را برای جامعه به ارمغان بیاورد. البته این نکته را می‌توان به گونه دیگر تفسیر کرد؛ از آنجا که کهن‌الگوی نابودگر، جنگجو و عاشق، همگی کهن‌الگوهای مرحله عزیمت و تشریف هستند، می‌توان گفت جامعه‌ای که کهن‌الگوی مسلط بر روان آن، نابودگر، جنگجو و عاشق است، در مرحله عزیمت و تشریف متوقف شده و از پختگی کهن‌الگوهای مرحله بازگشت فاصله دارد. این جامعه می‌تواند در بعد منفی، داشته‌هایش را نادیده بگیرد و در رویکردی افراطی و ناآگاهانه نسبت به عشق دیگری، به نادیده گرفتن و تخریب خود بنشیند، همچنین می‌تواند بدون معنا و دستاوردی حقیقی برای برد و باخت‌های کوچک بر سر اثبات حقانیت و توانمندی‌های خود، بجنگد.

همچنین به نظر می‌رسد که از میان چهار کهن‌الگوی مرحله بازگشت - جادوگر، فرزانه، حاکم و دلک - بیشترین تجلی را جادوگر و حاکم دارند. گویی زمانی که میزان عشق، سعی و کوشش قهرمان برای تداوم مسیر راه به جایی نمی‌برد، با متوسل به معجزه و دریافت‌های شهودی به گشایش‌های خارق‌العاده می‌رسد. حسین کرد در حمام شهر بیهوش می‌شود و مأموران، حمام را بر سر او خراب می‌کنند. اما حسین به طرز معجزه‌آسایی آسیبی نمی‌بیند. زیارت، دعا، نیایش، توکل و درنهایت جان سالم‌به‌دربردن از مهلکه، تمثیلی است از اینکه در روان حسین کرد، کهن‌الگوی جادوگر بیدار شده و با برخورداری از کهن‌الگوی جادوگر، قوانین معمول جهان را متحول می‌کند. در قصه نوش‌آفرین‌نامه، جهانگیرشاه که از سرنوشت دختر خویش

پریشان است، عابد فیاض را فرامی‌خواند و او بشارت می‌دهد که هر یک از شاهزادگان که بتواند درج را از گردن طوطی بردارد و با او سخن بگوید، قادر است شاهزاده خانم را نجات دهد. آزمون برگزار می‌شود و شاهزاده ابراهیم می‌تواند با بروز کهن‌الگوی جادوگر چنین کند (نک: همان). همچنین کهن‌الگوی حاکم با برخورداری از روحیه سلطه‌طلبی و رهبری، مسئولیت خود و دیگران را به عهده می‌گیرد و تمایل به کنترل همه افراد و امور دارد. «حاکم کهن‌الگوی حامی و جنگجو را با هم ترکیب می‌کند. وقتی این وجوه شخصیت ما با هم ترکیب شوند، ما را قادر می‌سازند تا از محدوده من شخصی بگریزیم و نحوه درست ارتباط با دیگران را انتخاب کنیم. حاکم انتخاب می‌کند که به‌طور کلی با «چه»، «کی» و «چطور» ارتباط برقرار کند» (آدسون، ۱۳۹۳: ۱۲۴). بنابراین می‌توان گفت تصور قالبی روان جامعه ایران از قهرمان فردی است که می‌تواند همه مسائل را حل و فصل کند و چنین فردی شایستگی زمامداری و کنترل همه امور را دارد. به همین دلیلی قهرمانی که نتواند به‌واسطه اکسیر جادویی و بعد غیرمعمول خود، مسائل را برطرف کند و انتظارات جامعه را برآورده کند، یکباره فاقد شکوه قهرمانی و طرد می‌شود.

زمانی که قهرمان برای دستاوردی فراتر از خواسته‌های خود، تلاش می‌کند، تجلی کهن‌الگوی حامی است. حامی که عنصر ایجاد اتحاد در روان قهرمان است بارها در قصه‌های ادبیات بچه‌خوانی، به‌ویژه در مرحله تشریف، متجلی می‌شود تا قهرمان با فرد یا جامعه‌ای، برای عبور از مصائب متحد شود. زمانی که تمام دلاوران سپاه از رویارویی با فولادخان می‌گریزند، شاهزاده هرمز که در شروع قصه به تمامی تداعی‌کننده کهن‌الگوی معصوم و خام است، با بیداری کهن‌الگوی حامی در مقابل فولادخان می‌ایستد. رویارویی قهرمان با فرد یا گروهی از ستم‌دیدگان، لحظه بیداری کهن‌الگوی حامی است. حامی «پس از مشاهده وضعیت بد گروهی از ستم‌دیدگان دست به کار شده و به نیازهای آن‌ها رسیدگی می‌کنند» (پیرسون و کی‌مار، ۱۳۹۰: ۶۱). اما قهرمانان قصه‌های عامیانه اغلب پس از مواجهه با گروه ستم‌دیدگان، به جای آنکه به آن‌ها راه و رسم چگونگی رویارویی با مشکلات زندگی را بیاموزد با تجسم روحیه مهرطلبی و حامی ناپخته، تمام مسئولیت حمایت و نجات فرد یا گروه را به عهده می‌گیرد و گاه از سفر قهرمانی خود منحرف می‌شود؛ بهرام در راه رسیدن به گلندام، از دریا می‌گذرد. برای نجات مسافران کشتی، به تنهایی با نهنگ می‌جنگد. جسم نیمه‌جان او را آب به ساحل می‌آورد. در قصه دیگر، حسین کرد در حمایت از یوسف، به خزانه شاه عباس دستبرد می‌زند. به این ترتیب قصه‌ها بارها به شرح وقایعی

می‌پردازد که قهرمان در حمایت از گروهی دیگر پشت سر می‌نهد و در نگرشی افراطی، در روان قصه‌پردازان و مخاطبان، این مهرطلبی و حامی ناپخته، معرفت و خصلت والای پهلوانی تعبیر می‌شود.

کهن‌الگوی آفرینشگر قدرت خلاقه‌ای است که می‌تواند از فرصت‌ها برای رشد خود و جامعه بهره‌برد و مولد معنای زندگی و کاشف مسیرهای تازه برای حل مسائل باشد. این کهن‌الگو در روان قهرمان ادبیات بچه‌خوانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، در هر کدام از قصه‌های ادبیات بچه‌خوانی که قهرمان توانسته تجسم کهن‌الگوی آفرینشگر باشد، به بازآفرینی معنای زندگی و پیروزی نهایی دست یافته است. با وجود این، کهن‌الگوی آفرینشگر از بسامد بالایی برخوردار نیست و تمام قهرمانان نتوانسته‌اند بیداری این کهن‌الگو را تجربه کنند و سعی کرده‌اند با جایگزینی و بهره‌مندی از نیروی کهن‌الگوهای جادوگر، فرزانه و حاکم، بر جهان خود سیطره یابند.

تنها در یکی از قصه‌های ادبیات بچه‌خوانی-چهار درویش- نشانه‌ای از بروز کهن‌الگوی دلچک یافت می‌شود. با وجودی که اغلب قهرمانان ادبیات بچه‌خوانی، تمامی مراحل سفر را طی می‌کنند اما به مرحله بیداری کهن‌الگوی دلچک نمی‌رسند. زیرا دلچک مرحله‌ای فراتر از سفر است. زمانی که قهرمان بتواند از هیاهوی سفر فاصله بگیرد و با نگاهی خردمندانه، کل‌نگر و لذت‌جویانه تمام مسائل و سختی‌های سفر را بنگرد، آنگاه با تجربه درمی‌یابد که هیچ چیز پایدار نیست و می‌تواند حقیقت را همان‌طور که هست بگوید. چنین قهرمانی درمی‌یابد که ارزش حقیقی زندگی، دستاوردها نیستند بلکه درک ناپایداری همه آن چیزی است که روزی دستاورد محسوب می‌شده است. می‌توان گفت روان جامعه قصه‌پرداز این ادبیات، هنوز به مرحله‌ای نرسیده است که قهرمانان آن، نقش کهن‌الگوی دلچک را ایفا کنند، حقیقت سرنوشت خود را بازگو کنند و قواعد جدی دنیا را به سخره بگیرند.

قهرمان ادبیات بچه‌خوانی اغلب، قهرمان مایل و گروه‌محور است. قهرمانی که فعال، پیشرو و خودانگیخته است و در نهایت به جامعه و گروه خود می‌پیوندد. این نتیجه هم‌خوان با درک کهن‌الگوهای پرسامد- جنگجو و نابودگر- منجر به درک نگاه جامع‌تری به کهن‌الگوی روان جامعه می‌شود. بنابراین هنگامی که دعوت‌نامه می‌رسد، قهرمان بر حفظ داشته‌هایش اصرار نمی‌ورزد، با اشتیاق سفر را آغاز می‌کند و غالباً زمانی که با انتخاب بین بازگشت به دنیای عادی یا ماندن در دنیای خاص مواجه می‌شود، بازگشت به دنیای عادی را برمی‌گزیند.

نگهبان آستان که نماینده انرژی ایگو، خودآگاه روان و مادرانگی است در ادبیات بچه‌خوانی، بارها متجلی شده است. کارکرد این کهن‌الگوی بنیادین، ممانعت از سفر و بازدارندگی است. در حقیقت خودآگاه قهرمان، برای محافظت از او در مقابل آسیب‌های احتمالی سفر، سعی می‌کند راه قهرمان را سد کند. هر چند در برخی از قصه‌های این مجموعه نگهبان آستانه به پشتیبان و حامی ارزشمند بدل می‌شود اما اغلب، موجودی قوی و بازدارنده است که سعی می‌کند قهرمان را در محدوده‌های تعیین‌شده نگه دارد و مانع ورود او به دنیای ناشناخته‌ها شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت، سنت در روان قصه‌پردازان ادبیات بچه‌خوانی، جایگاهی رفیع و ممتنع داشته است، به‌گونه‌ای که هر تغییری با بازخوردهای سخت‌گیرانه از سوی خودآگاه جامعه مواجه می‌شده و اغلب از تغییر و دگرگونی حمایت نمی‌شده است. با این حال قصه‌پردازان در تعارضی ناخودآگاه، دریافته‌اند که قهرمان کسی است که ناشناخته‌ها را کشف می‌کند و رشد، توأم با دگرگونی است. بنابراین جهانی افسانه‌ای را خلق کرده‌اند و مخاطبان را به ایستادگی در مقابل نگهبان آستان و گذر از آستانه تشویق می‌کنند.

سایه در قصه‌های ادبیات بچه‌خوانی وجه انسانی دارد. گاهی سایه‌ها در شمایل حیوانات وحشی و دیوها ظاهر شده‌اند اما اغلب به‌صورت انسانی که نماینده وجه تاریک و ناشناخته قهرمان است، متجلی شده و در نهایت آستی و پذیرش آن، موجب تعادل و رستگاری قهرمان شده‌است. تفسیر شمایل انسانی سایه در آینه قصه‌های ادبیات بچه‌خوانی، می‌تواند بازتابی از پیچیدگی روابط در جامعه ایرانی باشد. برادر و مرد جوان، معشوق و دشمنان از بارزترین و پربسامدترین تجلی‌های سایه برای قهرمان قصه‌های بچه‌خوانی است. مرشد و راهنمایان قهرمان در ادبیات بچه‌خوانی، اغلب چندوجهی هستند. به این ترتیب قهرمان را چند مرشد تعلیم می‌دهند، هریک مهارتی خاص را به وی می‌آموزند که در مراحل مختلف سفر، به کار می‌آیند. مرشد شمن‌گونه و گمراه پس از مرشد چندوجهی، بیشترین بسامد را دارد. مرشد شمن‌گونه رابطه‌ای محکم با جادو درمانگر، شفابخش و حکیم فرهنگ آئینی دارد. شمن در رؤیا یا مکاشفه، آگاهی و بصیرتی را در اختیار قهرمان می‌نهد. مرشد گمراه، قهرمانی ناکام است که در سفر قهرمانی ناتمام هست. تأویل انواع مرشد در ادبیات بچه‌خوانی راه به درک روشن و فهم بهتر راهنما در روان قصه‌پردازان می‌برد. ظهور پربسامد مرشد چندوجهی، نشان می‌دهد که در خرد جمعی قصه‌پردازان، حکمت و تجربه ارزش‌والایی داشته است و امری نیست که به یک‌باره عرضه گردد و تنها مرشدان شمن‌گونه

که پیوند دیرینه و درهم‌تنیده‌ای با باور دین، جادو و فره ایزدی دارند، می‌توانند از آن بهره‌مند باشند. همچنین مرشد گمراه تداعی‌کننده جهان ذهنی پدران است که راه نرفته و زندگی نزیسته خود را بر فرزندان فرافکنی می‌کنند و در حالی که در مرحله تجربه بحران و سرنوشت خویش، به سر می‌برند یا از مسیر قهرمانی منحرف شده‌اند، آرزوها و تجارب خود را به قهرمان جوان می‌سپارند.

عاشقان، پادشاهان و شاهزادگان، پهلوانان، زنان، اولیا و انبیا به ترتیب پربسامدترین شخصیت‌های قصه‌های ادبیات بچه‌خوانی هستند. پس از آن‌ها، پیشه‌وران و حیوانات تکرار شده‌اند. با وجود اینکه کودکان و نوجوانان مخاطبان این قصه‌ها بودند اما کودکان نقشی در قصه‌ها ندارند و تنها گاهی در شرح سرگذشت قهرمان و فرایند رشد او به مرحله کودکی او اشاره شده است که همیشه نیز تجسم مرحله معصومی و یتیمی قهرمان است.

اغلب قصه‌های ادبیات بچه‌خوانی در قالب افسانه هستند و به هر دو شیوه خطی و داستان در داستان روایت شده‌اند. مضمون و درون‌مایه آن‌ها به ترتیب عاشقانه، رزمی-پهلوانی و اخلاقی-اندروزی است که نشان‌دهنده چیرگی و استیلای عنصر سرگرم‌کنندگی نیز هست. همچنین تکرار مضمون عشق در قصه‌های ادبیات بچه‌خوانی، بیانگر سیطره کهن‌الگوی عاشق بر روان قصه‌پردازان است، همان‌طور که در قصه‌ها نیز، کهن‌الگوی عاشق، نمود بارزی دارد. همچنین پایان قصه‌های ادبیات بچه‌خوانی، اغلب شادی و عبرت است.

۵- نتیجه

داستان‌های عامه در ایران پیشینه‌ای مفصل دارد. با ورود صنعت چاپ به ایران و رواج آن در دوره قاجاریه، بخشی از داستان‌های عامه، به سبب ارتباط با مخاطب کودک و نوجوان با عنوان «بچه‌خوانی» مصور و به طبع رسیده است. فهرست حاج‌موسی از معتبرترین و جامع‌ترین فهرست‌های کتاب‌های چاپ سنگی است که در سال‌های ۱۲۸۱ و ۱۲۸۲ هجری قمری در انتهای کتاب گنجینه نشاط آورده شده است و به ذکر کتاب‌های چاپ سنگی نیمه دوم قرن سیزدهم هجری به تفکیک موضوع، پرداخته است.

ساختار داستانی پرماجرایی برخی قصه‌های ادبیات بچه‌خوانی، روایت داستان در داستان آن‌ها، جنبه حماسی و رمزی و نیز طرح‌الفاظ و مباحث نامناسب برای کودکان مانع از آن می‌شود که امروز بسیاری از عنوان‌های این فهرست را در شمار آثار ادبیات کودک و نوجوان بدانیم. اما با استناد و تعهد به فهرست حاج‌موسی و شواهد دیگر در

فهرست ادبیات مکتب‌خانه‌ای و منابع پژوهشی دیگر که پیشتر ذکر شد این قصه در شمار ادبیات کودکان گنجانده شده است. ناگزیر، هرچند برخی از این قصه‌ها فاقد مؤلفه‌های ادبیات کودک و نوجوان است اما به استناد ارتباط با مخاطب کودک و نوجوان دیروز و خاستگاه بومی و فرهنگی آن و ذهنیت و خرد ایرانی، می‌توان از الگوی سفر قهرمان این قصه‌ها در آفرینش و خلق قهرمان آثار کودک و نوجوان بهره برد.

گفتنی است ادبیات بچه‌خوانی بخشی از ادبیات عامه است که به تشخیص خرد جمعی جامعه، کودکان و نوجوانان می‌توانستند در مکتب‌خانه یا محافل قصه‌خوانی و قصه‌گویی، در جهان روایی آن‌ها سهیم شوند و مخاطب آن‌ها باشند. از سوی دیگر، ادبیات کودکان و نوجوان ادبیاتی مخاطب‌محور است و تنها آثاری می‌توانند در زمره ادبیات کودک و نوجوان گنجانده شوند که مخاطب کودک و نوجوان با آن‌ها ارتباط بگیرد. بنابراین ارتباط این متون و کودکان و نوجوانان آن دوران، ارتباطی تحمیلی و ناگزیر نبوده است و این قصه‌ها با تمام ظرفیت‌های نهفته‌شان، در جهان درونی مخاطبان پذیرفته شده و از اقبال برخوردار بودند. رموز پیوند ارتباط این ادبیات ویژه و مخاطبش را می‌توان بارها به لحاظ جامعه‌شناسی، جستارهای زبانی، فرهنگ‌شناسی، زیبایی‌شناسی و... کاوید و بررسی کرد. در این پژوهش سعی شد تا با معرفی مجموعه ادبیات بچه‌خوانی، فهرست حاج‌موسی طهرانی و پرداختن به اهمیت آن، به مروری از ادبیات بچه‌خوانی دست یافت و با واکاوی قصه‌ها از منظر نقد اسطوره‌ای، ساختار قصه‌ها بررسی و الگوی روان‌شناختی قصه‌ها را نمایان کرد. به این ترتیب روح جمعی راویان و شنوندگان این قصه‌ها که به درازای عمر فرهنگ و خرد مردمان این سرزمین است، در فراز و فرود «سفر قهرمان» بارها بازتعریف و از میان هزارتوی تاریخ، سایه‌روشنی از روان جامعه چه به‌عنوان روایان قصه‌ها و چه مخاطبان آن‌ها ارائه شود.

ادبیات بچه‌خوانی عرصه تجلی روان ناخودآگاه قصه‌پردازان در گذر تاریخی بی‌زمان و بی‌مکان است و می‌توان بارها این مجموعه ارزشمند را با انواع رویکردهای علمی و پژوهشی انسان‌شناختی بررسی کرد. این مجموعه منبعی ارزشمند برای شناخت فرهنگ عامه و عقاید و شیوه زندگی توده مردم است و می‌توان از مجموعه آثار ادبیات بچه‌خوانی در فرایند بازآفرینی و اقتباس در جهت تولید محتوا، داستان، بازی‌های رایانه‌ای، برنامه فلسفه برای کودکان و آثار سینمایی- نمایشی برای مخاطب کودکان و نوجوانان بهره برد.

منابع:

- ۱- آدسون، پترشیا (۱۳۹۳). بیداری قهرمان درون. تهران: بنیاد فرهنگ زندگی.
- ۲- امامی، نصرالله (۱۳۸۵). مبانی و روش‌های نقد ادبی. تهران: جامی.
- ۳- بلای، رابرت (۱۳۹۹). مردِ مرد. ترجمه فریدون معتمدی، تهران: مروارید.
- ۴- پیرسون، کارول اس. و هیو کی مار (۱۳۹۲). زندگی برازنده من. ترجمه کاوه نیری. تهران: بنیاد فرهنگ زندگی.
- ۵- حسینی، عباس. ۱۳۸۸. بچه‌خوانی. نخستین کتاب‌های مصور کودک و فرهنگ عامه در ایران. گلستان هنر، بهار ۱۳۸۸، شماره ۱۵: صص ۸۷-۹۶.
- ۶- خان‌بابا مشار. فهرست کتاب‌های چاپی فارسی. تهران: ۱۳۵۵ - ۱۳۵۰.
- ۷- زرفا، الیاده، کریستوا (۱۳۸۸). جهان اسطوره‌شناسی. ترجمه جلال ستاری. تهران: نشر مرکز.
- ۸- ذوالفقاری، حسن؛ حیدری، محبوبه (۱۳۹۱). ادبیات مکتبخانه‌ای ایران. تهران: چشمه.
- ۹- صدری‌زاده، نگین؛ مدبری، محمود؛ صرفی، محمدرضا (۱۴۰۱). رساله معرفی و تحلیل ادبیات بچه‌خوانی، کرمان: دانشگاه شهید باهنر.
- ۱۰- کمپبل، جوزف (۱۳۸۴). قهرمان هزار چهره. ترجمه شادی خسروپناه، چاپ چهارم، مشهد: انتشارات گل آفتاب.
- ۱۱- کمپبل، جوزف (۱۳۸۹). قدرت اسطوره. ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر مرکز.
- ۱۲- مارزلف، اولریش. (۱۳۸۷). ادبیات عامه فارسی در دوره قاجار. ترجمه عباس امام. فصلنامه فرهنگ مردم، سال هفتم، شماره ۲۷-۲۸: صص ۹۳-۱۱۷.
- ۱۳- مکاریک، ایرنا ریما (۱۳۸۳). دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر. ترجمه محمد نبوی و مهران مهاجر. تهران: نشر آگه.
- ۱۴- وگلر، کریستوفر (۱۳۸۵). ساختار اسطوره‌ای در داستان و فیلم‌نامه. ترجمه عباس اکبری. تهران: نیلوفر.